

## رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زوجین با توجه به نقش تعدیل‌کننده مزاج عاطفی

### The Moderating Role of Affective Temperament on the Relationship Between Attachment Styles and Dyadic Adjustment States

Mona Ghazian

Mohammad Ali Besharat

Seyed Mohamad Reza Rezazade

مونا قاضیان\*

محمدعلی بشارت\*\*

سیدمحمد رضا رضازاده\*\*\*

#### چکیده

#### Abstract

The purpose of the present study was to examine the moderating role of positive and negative affectivity on the relationship between attachment styles and dyadic adjustment. Participants consisted of 378 married individuals (194 women, 184 men). All of whom completed the Adult Attachment Inventory (AAI), The Glombok-Rust Inventory of Marital State Questionnaire (GRIMS), and The Positive and Negative Emotionality Scale (PNES). The results showed a significant positive correlation between secure attachment style and positive affectivity with dyadic adjustment. Insecure attachment styles (avoidant and ambivalence) and negative affectivity showed a significant negative correlation with dyadic adjustment. Analysis of data also revealed that the relationship between secure and insecure ambivalence attachment styles and dyadic adjustment were moderated by negative affectivity. Increasing levels of negative affectivity was accompanied stronger relationship between secure and insecure ambivalence attachment styles and dyadic adjustment. It can be concluded that attachment styles as well as positive and negative affectivity can predict dyadic adjustment.

**Keywords:** Attachment, Negative Affect, Positive Affect, Dyadic Adjustment

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش تعدیل‌کننده مزاج عاطفی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی بود. جامعه آماری شامل ۳۷۸ فرد متأهل (۱۹۴ زن، ۱۸۴ مرد) بودند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش، مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI)، مقیاس وضعیت زناشویی گلوبک-راست (GRIMS) و مقیاس هیجان‌پذیری مثبت و منفی (PNES) را تکمیل کردند. نتایج پژوهش نشان داد، سبک‌های دلبستگی و مزاج عاطفی هرکدام به‌طور مجزا می‌توانند سازگاری زوجین را پیش‌بینی کنند. از میان هیجان‌پذیری مثبت و منفی، تنها هیجان‌پذیری منفی، توانست در رابطه بین ابعاد دلبستگی ایمن و نالیمن دوسوگرا و سازگاری زوجین نقش تعدیل‌کننده ایفا کند. از یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت، رابطه سبک‌های دلبستگی با سازگاری زناشویی در تعامل با متغیرهایی چون مزاج عاطفی بهتر تبیین می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** دلبستگی، هیجان‌پذیری مثبت، هیجان‌پذیری منفی، سازگاری زوجین

\*نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
\*\*استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
\*\*\*استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: Monaghazian@ut.ac.ir

Received: 20 May 2018 Accepted: 8 Jul 2019

پذیرش: ۹۷/۰۴/۱۷

دریافت: ۹۷/۰۲/۳۰

(DOI): 10.22059/JAPR.2019.258348.642852

## مقدمه

پایداری نهاد خانواده در طول دوره‌های مختلف تاریخی دلالت بر کارکردی بودن آن دارد. اهمیت خانواده به اندازه‌ای است که سلامت و بالندگی هر جامعه وابسته به سلامت و رشد خانواده در آن است (مهران، کلانترهرمزی و فرحبخش، ۱۳۹۴). با شروع ازدواج و ایجاد رابطه زناشویی نقش سازگاری زناشویی<sup>۱</sup> در ادامه حیات زندگی مشترک و شکل‌گیری پیامدهای مثبت و منفی آن آشکار می‌شود. سینها و ماکرچک (۱۹۹۰)، سازگاری زناشویی را وضعیتی می‌دانند که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس ناشی از خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند و روابط رضایت‌بخش بین زوجین از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر، پذیرش و تفاهم با یکدیگر قابل‌ارزیابی است. همسرانی که از سازگاری زناشویی بالایی برخوردارند، رضایت کلی از زندگی دارند، تحمل بالاتری در شرایط استرس‌زا نشان می‌دهند، از نشانه‌های بهزیستی بالاتری برخوردارند و نمرات بالاتری در حرمت‌خود<sup>۲</sup> دریافت می‌کنند (آسودو، آرون، فیشر و براون، ۲۰۱۲). در حقیقت، از زوجین کاملاً سازگار انتظار می‌رود که روابط بلندمدت و ازدواج باثبات‌تری داشته باشند؛ در مقابل، زوجین با سازگاری ضعیف‌تر طلاق را تجربه می‌کنند (کندریک و درنتی، ۲۰۱۶). کندریک و درنتی (۲۰۱۶) که سازگاری زناشویی را انطباق زوجین با یکدیگر تعریف می‌کند، عوامل مختلفی همچون رضایت زناشویی، پیوستگی، توافق، عاطفه و تعارض بر شکل‌گیری سطوح مختلف آن اثرگذار دانسته‌اند. برشید<sup>۳</sup> (۱۹۸۴) در یک طبقه‌بندی، مکانیسم‌های درون‌فردی<sup>۴</sup> و برون‌فردی<sup>۵</sup> که در سازگاری یا ناسازگاری زناشویی اثرگذارند را برشمرده است. این عوامل شامل رفتارهای ارتباطی آشکار، عواطف، رابطه جنسی، عوامل فیزیولوژیک، درآمد و اشتغال، مهارت‌های ارتباطی و ویژگی‌های شخصیتی<sup>۶</sup> است (به نقل از هازن و شیور، ۱۹۸۷). ویژگی‌های شخصیتی در گرایش افراد به تجربه هیجان‌های مثبت یا منفی به‌عنوان عامل مؤثر در روابط بین‌فردی و روابط عاطفی نقشی معنادار ایفا می‌کنند (دیرنفورت، کاشی، دونلن و لوکاس<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰؛ به نقل از هومباد، دونلن، لاکونو، مک‌گوته و برت، ۲۰۱۳). یکی دیگر از نظریه‌های بانفوذ در حوزه بررسی روابط عاطفی، نظریه دلبستگی<sup>۸</sup> است. بالبی (۱۹۶۹) معتقد است، ماهیت روابط عاطفی اولیه یعنی مادر-نوزاد، ماهیت روابط عاطفی یک فرد را در سراسر زندگی تعیین می‌کند.

۱- marital adjustment

۲- self esteem

۳- Berschid, E.

۴- intra-personal

۵- inter personal

۶- personality traits

۷- Dyrenforth, P. S., Kashy, D. A., Donnellan, M. B., & Lucas, R. E.

۸- attachment theory

پژوهشگران دلبستگی، با گسترش نظریات بالبی و با توجه به مفهوم پایگاه امن<sup>۱</sup> با مشاهده رفتار کودکان در موقعیت ناآشنا، سبک‌های دلبستگی را به سه دسته ایمن<sup>۲</sup>، نالایمن اجتنابی<sup>۳</sup> و نالایمن دوسوگرا<sup>۴</sup> تقسیم کرده‌اند. مقوله سوم دلبستگی نالایمن، با نام «دلبستگی سازمان‌نیافته»<sup>۵</sup> نیز شناخته شده است. پایگاه امن، اصالتاً به مراقبی گفته می‌شود که کودک هنگام آشفتگی به او پناه می‌برد. این پایگاه برحسب شرایط می‌تواند، زمینه‌ساز دلبستگی ایمن یا نالایمن باشد (اینسورث، بلهر، واترز و وال<sup>۶</sup>، ۱۹۷۸؛ به نقل از بشارت، ۱۳۹۱). به مرور زمان، معادل درون روانی پایگاه امن به موازات پایگاه بیرونی در فرد تشکیل می‌شود و مفهوم پایگاه امن در بزرگسالی نیز برای فرد ادامه پیدا می‌کند (اینسورث و همکاران، ۱۹۷۸؛ به نقل از بشارت، ۱۳۹۱). نخستین بار، هازن و شیور (۱۹۸۷)، این بحث را مطرح کردند که سبک‌های دلبستگی تمایزات اساسی را در تجسم‌های مربوط به عشق رمانتیک<sup>۸</sup> بین بزرگسالان ایجاد می‌کند. فراتر از تفاوت‌هایی که در ادراک عشق رمانتیک وجود دارد، سبک‌های دلبستگی با خودگزارش‌دهی زن و شوهرها از رضایت زناشویی ایشان مرتبط است (برنان، کلارک و شیور، ۱۹۹۸)؛ انواع ایمن و نالایمن پدیده پایگاه امن در روابط بزرگسالان مشاهده می‌شود. در روابط زوجین هریک به‌عنوان پایگاه امن برای دیگری عمل می‌کند و تجسمات و انتظارات درونی مرتبط با پایگاه خود را با درجاتی از نالایمنی به‌رابطه زوجی می‌آورد (بشارت، ۱۳۹۱). فیینی<sup>۹</sup> (۱۹۹۹)، در تحقیقات خود نشان داد که افرادی که دلبستگی نالایمن دارند دارای کنترل شدید عاطفی هستند و هیجان‌هایشان بیشتر از نوع منفی است که پیش‌بینی‌کننده خوبی برای عدم رضایت زناشویی<sup>۱۰</sup> است (به نقل از لندسبرگر و میرز، ۲۰۰۲)، آیا رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی یک رابطه ساده است یا این احتمال وجود دارد که متغیرهای دیگری بتوانند بر این رابطه تأثیر تعدیل‌کننده داشته باشند یا این رابطه را تحت تأثیر قرار دهند. یکی از متغیرهایی که می‌تواند هم با سبک‌های دلبستگی رابطه داشته باشد و هم با سطوح سازگاری زناشویی، مزاج عاطفی<sup>۱۱</sup> است. مزاج عاطفی، به تفاوت‌های فردی در واکنش‌پذیری هیجانی، حرکتی و توجهی و همچنین، تفاوت‌های فردی در خود تنظیم‌گری<sup>۱۲</sup> اطلاق می‌شود که از نخستین دوران

---

۱- secure base

۲- strange stage

۳- secure

۴- avoidance

۵- ambivalence

۶- disorganized

۷- Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Wall, S., & Waters, E.

۸- romantic love

۹- Feeney, J. A.

۱۰- marital satisfaction

۱۱- affective temperament

۱۲- self-regulation

رشد قابل مشاهده هستند، پایه عصبی-زیستی دارند و در طول زمان و موقعیت‌های مختلف ثابت می‌باشند (دری بری و روتبارت، ۱۹۸۸). مزاج عاطفی را می‌توان از بُعد دیگری نیز مورد توجه قرار داد. شواهد گسترده وجود دو بُعد اساسی هیجان‌پذیری مثبت<sup>۱</sup> و هیجان‌پذیری منفی<sup>۲</sup> را تأیید کرده‌اند (واتسون، کلارک و تلگن، ۱۹۸۸). هیجان‌پذیری مثبت تمایل فرد به شادبودن در شرایط مکانی و زمانی گوناگون است (واتسون، پنیکر و فوگلر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷؛ به نقل از آقو، پرایس و مولر، ۱۹۹۲). در مقابل، هیجان‌پذیری منفی تمایل فرد به تجربه رنج در شرایط و زمان‌های مختلف است (واتسون و کلارک<sup>۴</sup>، ۱۹۸۴؛ به نقل از آقو، پرایس و مولر، ۱۹۹۲). بعضی مطالعات نشان داده‌اند که مزاج عاطفی بر بهزیستی افراد اثرگذار است (کانای و همکاران، ۲۰۱۶). برخی دیگر در زمینه رابطه هیجان‌پذیری مثبت و منفی عنوان کرده‌اند که هیجان‌پذیری مثبت می‌تواند طلاق، رضایت و شادمانی ناشی از ازدواج را پیش‌بینی کند. در مقابل، هیجان‌پذیری منفی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده طلاق زوجین می‌باشد (گاتمن<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸؛ به نقل از ترویر و وود، ۲۰۱۴).

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زوجین یک رابطه ساده خطی است یا متغیرهای دیگری مثل هیجان‌پذیری مثبت و منفی، می‌توانند این رابطه را تعدیل کنند؟ در پاسخ به این پرسش، هدف اصلی پژوهش بررسی نقش تعدیل‌کننده هیجان‌پذیری مثبت و منفی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با سازگاری زوجین بود. فرضیه‌های بررسی حاضر عبارت بودند از: ۱- بین سبک دلبستگی ایمن و سطوح سازگاری زوجین رابطه مثبت وجود دارد؛ ۲- بین سبک‌های دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) و سطوح سازگاری زوجین رابطه منفی وجود دارد؛ ۳- بین هیجان‌پذیری مثبت و سطوح سازگاری زوجین رابطه مثبت وجود دارد؛ ۴- بین هیجان‌پذیری منفی و سطوح سازگاری زوجین رابطه منفی وجود دارد؛ ۵- مزاج عاطفی مثبت رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زوجین را تعدیل می‌کند و ۶- مزاج عاطفی منفی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زوجین را تعدیل می‌کند.

## روش

### جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر از نوع بنیادی راهبردی و در زمره پژوهش‌های همبستگی است. جامعه مورد مطالعه در پژوهش حاضر، شامل دانشجویان متأهل در حال تحصیل در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ساکن در شهر تهران در سال ۱۳۹۴ بود. ۳۷۸ مشارکت‌کننده به صورت در دسترس و با روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند انتخاب گردیدند. مشغول به تحصیل، متأهل بودن در زمان اجرای پژوهش، عدم ابتلا به بیماری‌های

۱- positive affect

۲- negative affect

۳- Watson, D., Pennebaker, J. W., & Fogler, R.

۴- Watson, D., & Clarke, L. A.

۵- Gottman, J. M.

جدی روانی و پزشکی و عدم سابقه طلاق از معیارهای ورود و سن بالاتر از ۶۰ سال از معیارهای خروج بود. روش جمع‌آوری نمونه به این صورت بود که ابتدا ۵۵۰ آدرس ایمیل از افراد واجد شرایط شرکت در پژوهش انتخاب و پرسشنامه‌ها به آدرس پست‌الکترونیکی افراد موردنظر ارسال گردید. نمونه موردبررسی با دامنه سنی ۶۰-۲۰ سال، شامل ۱۹۴ نفر زن (۵۱/۳ درصد) و ۱۸۴ نفر مرد (۴۸/۷ درصد)، با میانگین سنی ۲۶/۷ و انحراف استاندارد ۲/۴۲ مدت ازدواج آزمودنی‌ها بین ۱ ماه تا ۱۰۸ ماه بود.

### ابزار سنجش

**مقیاس دلبستگی بزرگسال<sup>۱</sup> (AAI):** مقیاس دلبستگی بزرگسال، که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) ساخته و در مورد نمونه‌های دانشجویی و جمعیت عمومی ایرانی هنجاریابی شده است (بشارت، ۱۳۸۴)، یک آزمون ۱۵ سؤالی می‌باشد و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیرمقیاس‌های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌های زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه ( $n=1480$ ; زن، ۸۶۰، مرد) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۹ و ۰/۸۸؛ برای زنان ۰/۹۱، ۰/۹۰ و ۰/۸۷ و برای مردان ۰/۸۹، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ محاسبه شد که نشانه همسانی‌درونی<sup>۲</sup> خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله چهارهفته برای سنجش پایایی بازآزمایی<sup>۳</sup> محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۷۴؛ برای زنان ۰/۸۶، ۰/۸۲ و ۰/۷۵ و برای مردان ۰/۸۵، ۰/۸۱ و ۰/۷۳ محاسبه شد که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس است. روایی محتوایی<sup>۴</sup> مقیاس دلبستگی بزرگسال، با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۱۵ نفر از متخصصان روان‌شناسی موردبررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۵۷ محاسبه شد. روایی همزمان<sup>۵</sup> مقیاس دلبستگی بزرگسال از طریق اجرای همزمان مقیاس‌های "مشکلات بین شخصی" و "حرمت خود کوپر اسمیت" در مورد یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها ارزیابی گردید. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در سبک دلبستگی ایمن و زیرمقیاس‌های مشکلات بین شخص همبستگی منفی معنادار (از  $r=-0/61$  تا  $r=-0/83$ ) و با زیرمقیاس‌های حرمت خود همبستگی مثبت معنادار (از  $r=0/39$  تا  $r=0/41$ ) وجود دارد. بین نمره آزمودنی‌ها در سبک‌های دلبستگی نایمن و

۱- Adult Attachment Inventory (AAI)

۲- internal consistency

۳- test-retest reliability

۴- content validity

۵- concurrent validity

زیرمقیاس‌های مشکلات بین شخص، همبستگی مثبت معنادار (از  $r=0/26$  تا  $r=0/45$ ) و با زیرمقیاس‌های حرمت خود همبستگی منفی، اما غیرمعنادار به دست آمد. این نتایج نشان‌دهنده روایی کافی مقیاس دلبستگی بزرگسال است. نتایج تحلیل عوامل نیز، با تعیین سه عامل سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دوسوگرا، روایی سازه<sup>۱</sup> مقیاس دلبستگی بزرگسال را مورد تأیید قرار داد (بشارت، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲، الف، ۲۰۱۱).

**پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست<sup>۲</sup> (GRIMS):** پرسشنامه وضعیت زناشویی (گلوبوک-راست و همکاران، ۱۹۸۶) مقیاس ۲۸ سؤالی است. پرسش‌ها در مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافق=۰، کاملاً مخالف=۳)، مشکلات موجود در روابط زناشویی زوجین را از نمره ۰ تا ۳ در زمینه میزان حساسیت<sup>۳</sup> و توجه زوجین نسبت به نیازهای یکدیگر، تعهد<sup>۴</sup>، وفاداری<sup>۵</sup>، مشارکت<sup>۶</sup>، همدردی<sup>۷</sup>، ابراز محبت، اعتماد، صمیمیت<sup>۸</sup> و همدلی زوجین می‌سنجد. حداقل نمره آزمودنی در این مقیاس، صفر و حداکثر نمره ۸۴ است. نمره تراز شده آزمودنی‌ها در ۹ درجه، برحسب شدت و ضعف مشکلات زناشویی محاسبه می‌شود. در فرم فارسی این پرسشنامه، نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برای نمونه‌ای از زن‌ها و ۰/۹۴ برای شوهرها محاسبه شد که نشانه همسانی درونی<sup>۹</sup> بالای پرسشنامه است (بشارت، ۱۳۸۰). ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی‌ها  $r=0/77$ ، آزمودنی‌های زن  $r=0/73$  و آزمودنی‌های مرد  $r=0/75$  نشانه پایایی بازآزمایی<sup>۱۰</sup> خوب پرسشنامه می‌باشد.

**مقیاس هیجان‌پذیری مثبت و منفی<sup>۱۱</sup> (PNES):** این مقیاس، یک ابزار ۲۰ گویه‌ای می‌باشد که از پرسشنامه مزاج بزرگسال<sup>۱۲</sup> (ATQ؛ ایونز و روتبارت، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹) اقتباس شده است. پرسشنامه مزاج بزرگسال، مقیاسی نظریه‌محور می‌باشد و براساس مدل دری بری و روتبارت (۱۹۸۸) برای اندازه‌گیری ابعاد مزاج عاطفی<sup>۱۳</sup> ساخته شده است. دامنه نمره‌های هیجان‌پذیری مثبت و منفی در این مقیاس، از ۱ (کاملاً

۱- construct validity

۲- Golombok-Rust Inventory of Marital State Questionnaire (GRIMS)

۳- sensitivity

۴- commitment

۵- loyalty

۶- cooperation

۷- sympathy

۸- intimacy

۹- internal consistency

۱۰- test-retest reliability

۱۱- Positive and Negative Emotionality Scale (PNES)

۱۲- Adult Temperament Questionnaire (ATQ)

۱۳- affective temperament

نادرست) تا ۵ (کاملاً درست) محاسبه می‌گردد. هیجان‌پذیری مثبت، به‌عنوان یکی از ابعاد مزاج عاطفی، برحسب مؤلفه‌های مردم‌آمیزی<sup>۱</sup>، عاطفه مثبت<sup>۲</sup> و لذت پرشور (و هیجان<sup>۳</sup>) سنجیده می‌شود. هیجان‌پذیری منفی، به‌عنوان یکی دیگر از ابعاد مزاج عاطفی، برحسب مؤلفه‌های ترس<sup>۴</sup>، غمگینی<sup>۵</sup>، ناراحتی<sup>۶</sup> و ناکامی<sup>۷</sup> سنجیده می‌گردد. ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه مزاج بزرگسال شامل روایی همگرا<sup>۸</sup> و تشخیصی (افتراقی<sup>۹</sup>) و ساختار عاملی در مطالعات مقدماتی تأیید شده است (ایونز و روتبارت، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹). ضریب آلفای کرونباخ مقیاس هیجان‌پذیری مثبت و منفی در نمونه‌های دانشجویی (۱۷۴ پسر، ۲۱۱ دختر) و عمومی (۱۸۶ مرد، ۲۵۱ زن) از ۰/۷۷ تا ۰/۹۱ برای هیجان‌پذیری مثبت و از ۰/۷۹ تا ۰/۹۰ برای هیجان‌پذیری منفی محاسبه شده است (بشارت، ۱۳۹۳). این ضرایب همسانی‌درونی<sup>۱۰</sup> مقیاس را تأیید می‌کنند. روایی همگرا و تشخیصی (افتراقی) مقیاس هیجان‌پذیری مثبت و منفی از طریق اجرای همزمان مقیاس سلامت روانی<sup>۱۱</sup> (MHI-28؛ بشارت، ۱۳۸۸) و فهرست عواطف مثبت و منفی<sup>۱۲</sup> (PANAS؛ واتسون، کلاک و تلگن، ۱۹۸۸) در مورد آزمودنی‌های دو گروه محاسبه شد و مورد تأیید قرار گرفت. ضریب همبستگی هیجان‌پذیری مثبت با عواطف منفی و درماندگی روان‌شناختی به ترتیب ۰/۴۷- و ۰/۵۴- و با بهزیستی روان‌شناختی ۰/۵۳ به دست آمد. ضریب همبستگی هیجان‌پذیری منفی با عواطف منفی و درماندگی روان‌شناختی به ترتیب ۰/۴۹ و ۰/۵۱، و با بهزیستی روان‌شناختی ۰/۴۳- به دست آمد. این ضرایب در سطح  $p < 0/001$  معنادار بودند.

## یافته‌ها

جدول ۱، شاخص‌های آماری نمره‌های سبک‌های دلبستگی، هیجان‌پذیری مثبت و منفی و سازگاری زناشویی را نشان می‌دهد.

جدول ۱- شاخص‌های آماری توصیفی سازگاری زوجین، سبک‌های دلبستگی و هیجان‌پذیری زوجین

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه
سازگاری زوجین	۶۸/۹۷	۸/۸۰	۳۹	۸۵

۱- sociability

۲- positive affect

۳- high intensity pleasure

۴- fear

۵- sadness

۶- discomfort

۷- frustration

۸- convergent validity

۹- discriminant validity

۱۰- internal consistency

۱۱- Mental Health Inventory

۱۲- Positive and Negative Affect Schedule

۵	۱	۱/۰۶	۴/۲۶	دلبستگی ایمن
۵	۱	۰/۵۶	۱/۶۵	دلبستگی دوسوگرا
۵	۱	۰/۸۷	۱/۵۱	دلبستگی اجتنابی
۴۲	۱۵	۴/۹۲	۲۷/۴۴	هیجان‌پذیری مثبت
۴۲	۱۶	۵/۵۲	۲۶/۲۹	هیجان‌پذیری منفی

نتایج همبستگی پیرسون جدول ۲، نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و سازگاری زوجین رابطه مثبت معنادار و بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و سازگاری زوجین رابطه منفی معنادار وجود داشت. همچنین، بین هیجان‌پذیری مثبت و سازگاری زوجین رابطه مثبت معنادار و بین هیجان‌پذیری منفی و سازگاری زوجین رابطه منفی معنادار وجود داشت. این نتایج فرضیه‌های اول تا چهارم پژوهش را تأیید می‌کنند.

### جدول ۲- ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
سازگاری زوجین					
دلبستگی ایمن	۰/۵۱**				
دلبستگی دوسوگرا	-۰/۴۳**	-۰/۵۷**			
دلبستگی اجتنابی	-۰/۳۴**	-۰/۶۹**	۰/۴۹**		
هیجان‌پذیری مثبت	۰/۶۲**	۰/۳۵**	-۰/۲۴**	-۰/۲۳**	
هیجان‌پذیری منفی	-۰/۵۶**	-۰/۲۴**	۰/۲۴**	۰/۱۶**	-۰/۴۰**

\*\* $P < ۰/۰۱$ .  $n = ۳۷۸$  حجم نمونه

به منظور بررسی نقش تعدیل‌کننده هیجان‌پذیری مثبت، در رابطه سبک‌های دلبستگی و سطوح سازگاری زوجین از تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه سلسله مراتبی استفاده شد. در این پژوهش نقش هریک از سبک‌های دلبستگی و نقش تعدیل‌گر ابعاد هیجان‌پذیری در تحلیل مجزا مورد بررسی قرار گرفتند. باید توجه داشت که نمره بالا در مقیاس سازگاری زناشویی، به معنای سازگاری پایین است. به معنای دیگر این مقیاس، ناسازگاری زوجین را نشان می‌دهد. نتایج در جدول‌های ۳ و ۴، نشان داده شده است.

### جدول ۳- شاخص‌های آماری رگرسیون سلسله مراتبی متغیرهای پژوهش در پیش‌بینی

#### سازگاری زناشویی

t	$\beta$	B	F	R <sup>2</sup>	R	پیش‌بین‌ها	گام‌ها
۱۱/۶۱**	۰/۵۱	۴/۲۵	۱۳۴/۷۲**	۰/۲۶	۰/۵۱	سبک دلبستگی ایمن	گام اول
۸/۴۹**	۰/۳۴	۲/۸۰	۱۷۲/۸۵**	۰/۴۸	۰/۶۹	سبک دلبستگی ایمن	گام دوم
۱۲/۴۷**	۰/۴۹	۰/۸۹				هیجان‌پذیری مثبت	
-۶/۹۳**	-۰/۳۴	-۳/۳۷	۴۸/۰۲**	۰/۱۱	۰/۳۴	سبک دلبستگی اجتنابی	گام اول
-۵/۱۸**	-۰/۲۱	-۲/۰۹	۱۳۶/۳۷**	۰/۴۲	۰/۶۵	سبک دلبستگی اجتنابی	گام دوم



		هیجان پذیری مثبت					
۱۴/۱۲**	۰/۵۷	۱/۰۲				گام اول	دوسوگرا
-۹/۱۰**	-۰/۴۲	-۳/۴۵	۸۲/۸۱**	۰/۱۸	۰/۴۲	سبک دل بستگی دوسوگرا	
-۷/۴۹**	-۰/۲۹	-۲/۳۸	۱۶۰/۰۸**	۰/۴۶	۰/۶۸	سبک دل بستگی دوسوگرا	
۱۳/۹۵**	۰/۵۴	۰/۹۷				هیجان پذیری مثبت	

با توجه به این که نمره تعامل سبک دل بستگی ایمن و هیجان پذیری مثبت، نتوانست در تبیین واریانس نمرات سازگاری زوجین نقشی داشته باشد؛ بنابراین معلوم می شود هیجان پذیری مثبت، نمی تواند در رابطه بین سبک دل بستگی ایمن و سازگاری زوجین نقش تعدیل کننده داشته باشد. ضریب استاندارد شده شیب رگرسیون سبک دل بستگی ایمن، روی سازگاری زوجین ( $\beta=0/51$ ) مثبت و معنادار بود. ضرایب رگرسیونی در مدل دوم برای سبک دل بستگی ایمن و هیجان پذیری مثبت، به ترتیب برابر با  $0/34$  و  $0/49$  بود. به این ترتیب، هیجان پذیری مثبت نتوانست رابطه بین سبک دل بستگی ایمن و سازگاری زوجین را تعدیل کند.

هیجان پذیری مثبت، نتوانست رابطه بین سبک دل بستگی اجتنابی و سازگاری زوجین را تعدیل کند. ضرایب شیب رگرسیونی هر یک از متغیرهای پیش بین در جدول شماره ۴ قابل مشاهده است. همان گونه که می توان دید، سبک دل بستگی اجتنابی در مرتبه اول ( $\beta=-0/34$ ) و مرتبه دوم ( $\beta=-0/21$ ) با ضرایب منفی پیش بینی کننده منفی سازگاری زوجین بود. در مرتبه دوم، هیجان پذیری مثبت ( $\beta=0/57$ ) پیش بینی کننده سازگاری زوجین اثر تعامل سبک دل بستگی دوسوگرا و هیجان پذیری مثبت، نتوانست در پیش بینی سطوح سازگاری زوجین نقشی داشته باشد. ضریب شیب رگرسیون سبک دل بستگی دوسوگرا در مرتبه نخست  $-0/42$  است. در مرتبه دوم ضریب شیب رگرسیون سبک دل بستگی دوسوگرا و هیجان پذیری مثبت به ترتیب  $-0/29$  و  $0/54$  می باشد. بدین ترتیب، نقش تعدیل گر هیجان پذیری در رابطه بین سبک دل بستگی دوسوگرا و سازگاری زوجین تأیید نشد. براساس یافته های به دست آمده فرضیه پنجم پژوهش مورد تأیید قرار نگرفت.

#### جدول ۴- شاخص های آماری تعامل متغیر تعدیل کننده با متغیرهای پیش بین در رگرسیون سلسله مراتبی

t	$\beta$	B	F	R <sup>2</sup>	R	پیش بین ها	گام ها	
۱۱/۶۱**	-۰/۵۱	۴/۲۵	۱۳۴/۷۲**	۰/۲۶	۰/۵۱	سبک دل بستگی ایمن	گام اول	ایمن
۱۰/۲۹**	۰/۴۰	۳/۳۲	۱۶۲/۲۴**	۰/۴۶	۰/۶۸	سبک دل بستگی ایمن	گام دوم	
-۱۱/۸۹**	۰/۴۶	-۰/۷۴				هیجان پذیری منفی		
-۰/۰۹	-۰/۰۲	-۰/۱۵	۱۱۱/۵۶**	۰/۴۷	۰/۶۹	سبک دل بستگی ایمن	گام سوم	
-۵/۱۵**	۰/۷۸	-۱/۲۶				هیجان پذیری منفی		
۲/۲۰*	۰/۴۷	۰/۱۲				تعامل دل بستگی ایمن و هیجان پذیری منفی		
-۶/۹۳**	-۰/۳۴	-۳/۳۷	۴۸/۰۲**	۰/۱۱	۰/۳۴	سبک دل بستگی اجتنابی	گام اول	اجتنابی
-۶/۰۷**	-۰/۲۵	-۲/۵۲	۱۱۲/۹۳**	۰/۳۸	۰/۶۱	سبک دل بستگی اجتنابی	گام دوم	
-۱۲/۵۶**	-۰/۵۲	-۰/۸۳				هیجان پذیری منفی		
-۹/۱۰**	-۰/۴۳	-۳/۴۵	۸۲/۸۱**	۰/۱۸	۰/۴۳	سبک دل بستگی دوسوگرا	گام اول	دوسوگرا
-۷/۵۴**	-۰/۳۱	-۲/۵۱	۱۲۷/۵۶**	۰/۴۱	۰/۶۴	سبک دل بستگی دوسوگرا	گام دوم	

-۱۱/۸۹**	-۰/۴۹	-۰/۷۸				هیجان‌پذیری منفی
-۱/۳۳	-۰/۲۸	-۲/۳۳	۸۹/۲۸**	۰/۴۲	۰/۶۵	سبک دلبستگی دوسوگرا
-۴/۳۳**	-۰/۳۱	-۰/۵۰				هیجان‌پذیری منفی
۲/۸۳**	-۰/۶۷	-۰/۱۷				تعامل دلبستگی دوسوگرا و هیجان‌پذیری منفی

با توجه به جدول فوق، اثر تعامل سبک دلبستگی ایمن و هیجان‌پذیری منفی توانست در تبیین واریانس سازگاری زوجین نقش داشته باشد. در مدل پایانی که سبک دلبستگی ایمن، هیجان‌پذیری منفی و تعامل این دو به‌عنوان پیش‌بین در معادله رگرسیون حضور دارند، ضریب شیب رگرسیونی تعامل دلبستگی ایمن و هیجان‌پذیری تنها در سطح  $P < 0/05$  معنادار است. با در نظر گرفتن سطح خطای بزرگ‌تر از یک‌صدم، باید نقش تعدیل‌کننده هیجان‌پذیری منفی در رابطه بین سبک دلبستگی ایمن و سازگاری زوجین را با احتیاط بیشتری تفسیر کرد.

در تحلیل بعدی، نقش تعدیل‌کننده هیجان‌پذیری منفی در رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و سازگاری زوجین مورد بررسی قرار گرفتند. ضرایب استاندارد شده شیب رگرسیون در مدل پایانی نشان می‌دهد که با افزایش نمره در سبک اجتنابی ( $\beta = -0/25$ ) سطوح سازگاری زوجین کاهش می‌یابد. ضریب استاندارد شده شیب رگرسیون هیجان‌پذیری منفی ( $\beta = -0/52$ ) نیز، نشان‌دهنده کاهش سطوح سازگاری زوجین به‌موازات افزایش نمره هیجان‌پذیری منفی است. با در نظر گرفتن نتایج تحلیل رگرسیون معلوم می‌شود که هیجان‌پذیری منفی توانست در رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و سازگاری زوجین نقش تعدیل‌کننده داشته باشد. تعامل سبک دلبستگی دوسوگرا و هیجان‌پذیری منفی توانسته است، در تبیین واریانس سازگاری زوجین نقش مستقلی داشته باشد. این یافته نشان می‌دهد، رابطه بین سبک دلبستگی دوسوگرا و سازگاری زوجین در افرادی که هیجان‌پذیری منفی بالایی دارند، قوی‌تر است.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد، بین سبک‌های دلبستگی ایمن و هیجان‌پذیری مثبت با سازگاری زناشویی همبستگی مثبت معنادار، بین سبک‌های دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) و هیجان‌پذیری منفی با سازگاری زوجین رابطه منفی معنادار وجود دارد. نتایج از یک‌سو، هماهنگ با یافته‌های مک‌دانیل، دروین و کراونس (۲۰۱۷)، کنادسون (۲۰۱۶)، لانگ، پاپ، گوندا، دوم و ریمر (۲۰۱۶) مولرو، شیور، فرناندز، آلونسو آربیل و رسیو (۲۰۱۶) بشارت، نقشینه، گنجی و تولائیان (۲۰۱۴)، بشارت (۲۰۰۳)، لندسبرگر و میرز (۲۰۰۲)، بیرامی، فهیمی، اکبری و امیری پیچاکالایی (۱۳۹۱)، بشارت و گنجی (۱۳۹۱)، غفوری ورنوسفادرانی، مهدی‌زادگان، نوری و کمالی (۱۳۸۷) و شکرکن، خجسته‌مهر، عطاری، حقیقی و شهنی بیلاق (۱۳۸۴) است. ازسوی دیگر نتایج نشان داد، هیجان‌پذیری منفی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی ایمن و ناایمن دوسوگرا و سازگاری زوجین نقش تعدیل‌کننده دارد و هیجان‌پذیری مثبت در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زوجین نقش تعدیل‌کننده ایفا نمی‌کند.

زوج‌هایی که دارای صمیمیت بالاتری هستند، قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود دارند (پاتریک، سلز، گیوردانو و فولراد، ۲۰۰۷). افراد با دلبستگی ایمن، از توانایی برقراری روابط عاطفی و صمیمی نسبتاً پایدار و رضایت‌بخش برخوردارند (بشارت، مدنی و پورحسین، ۱۳۹۲). همسران با این ویژگی قادرند، حمایت‌کننده باشند، خطرپذیرند، به دنبال راهکارهای گوناگون برای حل مشکلات خود هستند، نسبت به سرانجام عمل خود امیدوارترند و از خود صمیمیت نشان می‌دهند که این ویژگی‌ها، رضایت آن‌ها از روابط با همسرانشان را افزایش می‌دهد (کورن، هزن، جاکوبویتز و ساساکی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶؛ به نقل از مردانی حمله و حیدری، ۱۳۸۹). همچنین، برخورداری افراد با دلبستگی ایمن از توان اکتشافگری و جوارجویی یکی دیگر از علل احتمالی سطح بالای سازگاری در ایشان می‌باشد (اوکانر و مک‌کارنی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷؛ به نقل از بشارت، مدنی و پورحسین، ۱۳۹۲). این ویژگی جسارت لازم را برای آزمون‌گری و تجربه‌آموزی در اختیار فرد ایمن قرار می‌دهد. همچنین، افرادی که به خود اعتماد داشته باشند به آسانی با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند، از ارتباطات خود لذت می‌برند، نگران طردشدن نیستند، دارای ثبات هستند، در روابطشان لذت، صداقت و رفاقت وجود دارد و احساس ارزش نسبت به خود و دیگران دارند (بارتولومئو و هوروویتز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱؛ به نقل از بشارت، مدنی و پورحسین، ۱۳۹۲). اعتماد فرد ایمن به دیگران، به عنوان جزء مکمل اعتماد به خود نیز، وی را در جلب کمک و مساعدت دیگران، مخصوصاً همسر، یاری می‌رساند (بشارت الف، ۱۳۸۰). افراد با دلبستگی ایمن، نسبت به افراد با دلبستگی نایمن از توانایی بالاتری در تنظیم هیجان‌های خود برخوردارند (فولام، ۲۰۰۲). بنابر پژوهش حیدری و اقبال (۱۳۸۹)، در نتیجه تنظیم‌بودن هیجان‌ها می‌توان رضایت زناشویی بالاتری را از زوجین انتظار داشت. همچنین، راهبردهای حل‌مسأله می‌تواند به رضایت بیشتر زناشویی منجر شود (دیباچی فروشانی، امامی‌پور و محمودی، ۱۳۸۸؛ گاتمن و سیلور، ۱۹۹۵).

در مقابل، همسرانی که دارای سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا هستند، احتمالاً از نوع روابط عاشقانه و زناشویی خود ابراز نارضایتی می‌نمایند و تمایلی به برقراری روابط صمیمی درازمدت ندارند، از خود آشکارسازی هراسان هستند و از مهارت‌های اجتماعی بی‌بهره‌اند. چنین همسرانی همواره نگران طردشدن و ترک‌شدن از سوی همسرشان هستند (فرالی و شیور، ۲۰۰۰). فقدان اعتماد به خود، در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا، درماندگی روان‌شناختی را به فرد نایمن تحمیل می‌کند و این حالت به احساس حقارت و اضطراب شخص دامن می‌زند، فقدان اعتماد به دیگران، منجر به ایجاد فاصله و دوری و عدم حمایت از سوی دیگران می‌شود (لورنس، روتمن، کوب، روتمن و برادبری<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸؛ به نقل از مردانی حمله و حیدری، ۱۳۸۹). یکی از عوامل احتمالی اثرگذار در رابطه دلبستگی نایمن و سازگاری زناشویی، ناتوانی همسران با دلبستگی نایمن در به‌کارگیری مهارت حل‌مسأله و تعارض است. همچنین کرولی (۲۰۰۶)، در پژوهش خود نشان داد که سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی، اثر

۱- Curran, M., Hazen, N., Jacobvitz, D., & Sasaki, T.

۲- O'Connor, E., & McCartney, K.

۳- Bartholomew, K., & Horowitz, L. M.

۴- Lawrence, E., Rothman, A. D., Cobb, R. J., Rothman, M. T., & Bradbury, T. N.

منفی مستقیم و غیرمستقیم از طریق شیوه‌های حل تعارض غیرسازنده بر رضایت زناشویی دارد. این موضوع با پژوهش کرمی، کریمی و دهقان (۱۳۹۳) همسو است.

نتایج پژوهش نشان داد، بین هیجان‌پذیری مثبت و سطوح سازگاری زوجین رابطه مثبت وجود دارد. این نتایج که فرضیه سوم پژوهش را تأیید می‌کند، با پژوهش‌های جارذیک، هینیک، استانوژویک، زیچویک و ایگناتوویک (۲۰۱۷)، بشارت، مدنی و پورحسین (۱۳۹۲)؛ همچنین به نقل از کاپیکیران (۲۰۱۲)، با پژوهش‌های داینر، لوکاس و اونیشی<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) و بوسری، ساداوا و دکورویله<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) همسو است. از آنجا که صمیمیت بین زوجین به میزان خودآشکارسازی هیجانی با یکدیگر و میزان پاسخ‌دهی طرف مقابل بستگی دارد (لارنسیا و همکاران، ۲۰۰۴)، این ویژگی موجب تقویت رابطه و افزایش سازگاری زوجین می‌گردد. همچنین، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عاطفه مثبت، خلاقیت، انعطاف‌پذیری شناختی، کارایی در تصمیم‌گیری، حل‌مسأله و دیگر شاخص‌های تفکر مفید را افزایش می‌دهد (فوربس و دال<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵؛ به نقل از بشارت، ۱۳۹۲). افراد با هیجان‌پذیری مثبت، هشیار، متمرکز و مصمم هستند (گرونرت، ۲۰۰۸). به این ترتیب، می‌توانند هنگام رویارویی با مسائل مختلف زندگی هیجان و احساس خود را تشخیص داده، با توجه به شرایط آن را تنظیم کرده و روابط بین‌شخصی خود را بهتر مدیریت نمایند. حمایت‌شدن از سوی همسر، برای سازگاری فردی اهمیت دارد؛ بلکه در پایداری روابط بین‌شخصی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند (باربی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰؛ به نقل از پیش، بردبری و داویلا، ۱۹۹۷).

پژوهش‌ها نشان دادند، زوجین ناسازگار در مقایسه با زوجین سازگار عواطف منفی بیشتری را نشان می‌دهند (بردبری و کارنی<sup>۵</sup>، ۱۹۹۳؛ ویس و هیمن<sup>۶</sup>، ۱۹۹۰؛ به نقل از داویلا، بردبری و فینچام، ۱۹۹۸). همچنین سادیکیچ، موسکوویتز و زوروف (۲۰۱۱)، در پژوهش خود نشان دادند، بین رفتار مقبول شریک زندگی و عواطف منفی افراد رابطه معکوس وجود دارد. برخلاف افراد با ویژگی هیجان‌پذیری مثبت، همسران با هیجان‌پذیری منفی افرادی ناشاد، نگران و کم‌انرژی هستند که این ویژگی‌ها موجب اختلال در روابط بین‌شخصی و روابط نزدیک با همسر و خانواده می‌شود. به‌طور کلی، شوهران با هیجان‌پذیری منفی بالا، تعهد کم‌تری به ازدواج دارند و با احتمال بیشتری طلاق را یک راه‌حل اجباری برای ازدواج مشکل‌دار می‌دانند (ووسیدلو و سگرین، ۲۰۱۲). یکی از ویژگی‌های مهم همسران با هیجان‌پذیری منفی، شیوه‌های اسناددهی این افراد است. سبک اسناد، شیوه تبیین افراد در رویدادهای روزمره به‌ویژه موقعیت‌های استرس‌زاست که می‌تواند نقش مهمی در سلامت روانی داشته باشد (تری، ۱۹۹۴). فقدان مهارت حل‌مسأله متقابل می‌تواند، پیش‌بینی کند که هیجان‌پذیری منفی در زمانی که

1- Diener, E., Lucas, R. E., & Oishi, S.

2- Busseri, M. A., Sadava, S. W., & Decourville, N.

۳- Forbes, E. E. & Dahl, R. E.

۴- Barbee, A. P.

۵- Karney, B. R., & Bradbury, T. N.

۶- Weiss, R. L., & Heyman, R. E.

۷- attributionnal

زوجین با مشکلاتی که نیاز به یافتن راه‌حل دارد مواجه می‌شوند، منجر به انزجار همسران از یکدیگر و در نتیجه، باعث کاهش کیفیت زندگی می‌گردد (ووسیدلو و سگرین، ۲۰۱۳).

فرضیه پنجم پژوهش این بود که هیجان‌پذیری مثبت، رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زوجین را تعدیل می‌کند. یافته‌های فرضیه پنجم پژوهش را تأیید نکردند. این نتیجه برخلاف نتایج پژوهش بشارت و همکاران (۱۳۹۲ الف) و داویلا، بردبری و فینچام (۱۹۹۸) بود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افزایش هیجان‌پذیری مثبت در افراد از طریق کاهش استرس در زوجین، منجر به بالارفتن رضایت زناشویی می‌گردد (خوشخرام و گلزاری، ۱۳۹۰). براساس این گزارش می‌توان، این احتمال را بیان کرد که یکی از علل عدم اثرگذاری هیجان‌پذیری مثبت بر سازگاری زناشویی افراد در این پژوهش می‌تواند تعدد عوامل استرس‌زای غیرقابل کنترل یا ناتوانی در مدیریت استرس‌زها در افراد بوده باشد که احتمال اثرگذاری هیجان‌پذیری مثبت را کاهش داده است. احتمال دیگر آن است که متغیرهای دیگری غیر از هیجان‌پذیری مثبت در رابطه مداخله کرده باشند. به‌طورمثال، ناگویی هیجانی<sup>۱</sup> که بشارت و گنجی (۱۳۹۱) و بشارت و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهش خود به آن پرداختند. با توجه به نظریه دلبستگی، بیان هیجانی به‌عنوان حلقه ارتباط خود و محیط، عنصر هدایت‌گر و سازمان‌دهنده در چرخه‌های تعاملی و روابط زناشویی در بزرگسالی در نظر گرفته می‌شود (گرگلی و واتسن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶؛ به‌نقل از بشارت، مدنی و پورحسین، ۱۳۹۲). بنابر گفته بشارت، تیمورپور، رحیمی نژاد، حسین رشدی و غلامعلی لواسانی (۱۳۹۴)، متغیر اثرگذار دیگر، می‌تواند استحکام من<sup>۳</sup> باشد. استحکام من، اشاره به توانایی شخص برای مدیریت موفقیت‌آمیز نیازهای غریزی، بازداری‌های درونی و واقعیت اجتماعی دارد (مک‌کری و کاستا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵؛ به‌نقل از بشارت و همکاران، ۱۳۹۴). براین‌اساس، وجود یا فقدان استحکام من در افراد، می‌تواند بر توانایی سازگاری ایشان با شرایط اثر گذاشته و رابطه سایر عوامل با سازگاری زناشویی را تحت‌تأثیر قرار دهد. بنابر پژوهش حسینی نسب، هاشمی نصرت‌آباد و فتوحی‌بناب (۱۳۸۸)، جهت‌گیری مذهبی افراد نیز، می‌تواند یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر این رابطه باشد. تحقیقات متعدد نشان داده است که مذهب به‌معنای وسیع کلمه می‌تواند آثار بحران‌های شدید زندگی را تعدیل کند و اعتقادات معنوی یک مسأله مهم برای مبارزه با مشکلات است (الیسون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴؛ به‌نقل از حسینی‌نسب، هاشمی نصرت‌آباد و فتوحی‌بناب (۱۳۸۸)).

هیجان‌پذیری منفی توانست، رابطه بین سبک دلبستگی ایمن و سازگاری زوجین را تعدیل کند. در پژوهش بشارت، مدنی و پورحسین (۱۳۹۲)، هیجان‌پذیری منفی نقش تعدیل‌کننده بر رابطه سبک دلبستگی ایمن و مشکلات زناشویی ایفا نکرد. این موضوع می‌تواند، نشان‌دهنده این باشد که عوامل دیگری غیر از

۱- alexithymia

۲- Gergely, G., & Watson, J. S.

۳- ego-strength

۴- Mccrae, R. R., & Costa, P. T.

۵- Ellison, C. G.

هیجان‌پذیری، می‌توانند بر این رابطه اثرگذار باشند. یکی از عوامل اثرگذار احتمالی سبک‌های هویتی افراد است. افراد هویت‌یافته پس از دوره‌ای اکتشاف و بررسی‌های متعدد، به انتخاب و ایدئولوژی‌های خود متعهد می‌شوند. این افراد نسبتاً خودمختارند و اعتمادبه‌نفس بالایی دارند (فیلیپس و پیتمن، ۲۰۰۷). براین‌اساس، در صورتی که افراد به‌هویت‌یافتگی دست پیدا کرده باشند، علی‌رغم وجود هیجان‌پذیری منفی سعی بر کنترل آن دارند و این توجه و میل به بهبود می‌تواند منجر به افزایش سازگاری زناشویی شود. شواهد نشان می‌دهد، دانشجویان بیش از سایر اقشار در یک جامعه از منزلت هویت‌یافته عقیدتی برخوردارند (لرستانی، ۱۳۹۴). نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، دانشجویان متأهل بودند و این ویژگی می‌تواند در این رابطه اثرگذار بوده باشد.

هیجان‌پذیری منفی، نتوانست رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و سازگاری زناشویی را تعدیل کند. ویژگی‌های هیجان‌پذیری منفی در افراد حالت‌های اجتنابی ایجاد می‌کند و این حالت‌ها می‌تواند، مشابه ویژگی‌های دلبستگی اجتنابی باشد؛ مانند فاصله‌گیری عاطفی افراد و رفتار خصمانه و حساسیت نسبت به طردشدن (لوسیر، سابورین و ترگنون، ۱۹۹۷). براین‌اساس، وجود یا فقدان هیجان‌پذیری منفی در این رابطه می‌تواند تأثیر معناداری نداشته باشد. همچنین، افراد با سطح تحصیلی بالاتر تلاش می‌کنند، مهارت‌های بالاتری برای حل مسأله به‌دست آورند و در زندگی کم‌تر دچار استرس شوند (موسوی، ۱۳۷۴). به‌بیان‌دیگر، افراد با تحصیلات بالاتر، علی‌رغم وجود هیجان‌پذیری منفی میل به حل مشکلات در روابط دارند و با کسب مهارت‌های حل مسأله سعی بر این دارند که مشکلات ناشی از هیجان‌پذیری منفی را به‌حداقل برسانند.

رابطه بین سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی و سازگاری زوجین در افرادی که هیجان‌پذیری بالاتری دارند، قوی‌تر است به این معنا که سبک دلبستگی دوسوگرا، در افرادی که مزاج عاطفی منفی دارند، در کاهش سازگاری زوجین نقش قوی‌تری دارد. تجربه بالای هیجان‌پذیری منفی امکان دارد، بر دلبستگی تأثیر با نفوذی بگذارد؛ به‌طوری که با تشدید بروز ویژگی‌های دلبستگی دوسوگرا منجر به نارضایتی بالاتر شود. این احتمال وجود دارد که دلبستگی و هیجان‌پذیری منفی، تأثیر متقابل بر روی هم داشته باشند (داویلا، بردبری و فینچام، ۱۹۹۸). به این معنا که فرد با ویژگی‌های دلبستگی نایمن در روابط زناشویی با چسبیدن، درماندگی و یا احساس دوگانگی نسبت به روابط (بشارت، گلی‌نژاد و احمدی، ۱۳۸۲) مشکلات زناشویی را افزایش می‌دهد؛ حال اگر فرد دارای هیجان‌پذیری منفی باشد، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد گرایش به تجربه خلق منفی، تحریک‌پذیری، ناکامی، ترس و واکنش‌پذیری زیاد (بروماریو و کرنز، ۲۰۱۲) داشته باشد، از ابراز هیجان‌های منفی خود می‌هراسد و ناامیدی وی از امکان اصلاح زندگی زناشویی شرایط را برای کاهش سطح سازگاری زناشویی بیش‌ازپیش افزایش می‌دهد.

یافته‌های پژوهش حاضر، می‌تواند نتایج مطالعات پیشین و نظریه‌های مربوط به رابطه سبک‌های دلبستگی با سازگاری زوجین را تأیید و تکمیل کند و با توجه به نتایج به‌دست آمده، زمینه‌ساز طرح پرسش‌های جدید گردد. نمونه‌ای از این پرسش‌ها عبارتند از: چه متغیرهای دیگری می‌توانند سازگاری زوجین را پیش‌بینی کنند؟ آیا متغیرهای دیگری مانند تنظیم هیجانی، مهارت‌های ارتباطی، تعهد مذهبی، ناگویی هیجانی می‌توانند رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زوجین را تعدیل کنند؟ در سطح بالینی و

عملیاتی، می‌توان با ابلاغ نتایج پژوهش به متخصصان مربوطه، آن را در راستای پیشگیری از ناسازگاری زوجین به کار گرفت. همچنین، با تدوین برنامه‌های آموزشی و ارائه آن به زوجها می‌توان به ارتقاء کیفیت زندگی زناشویی زوجین کمک نمود.

محدودیت روش پژوهش به علت آن که پژوهش حاضر، از نوع همبستگی است. نتایج را نمی‌توان در قالب رابطه علی بین متغیرها تبیین نمود. یکی دیگر از محدودیت‌ها می‌تواند تکیه کردن بر خودگزارش‌دهی‌های افراد باشد و این موضوع احتمال وانمودسازی را در مشارکت‌کنندگان افزایش می‌دهد. همچنین، با توجه به آن که نمونه موردپژوهش شامل دانشجویان ساکن در شهر تهران بود؛ بنابراین این امر، از قابلیت تعمیم‌دهی نتایج بر کل جامعه می‌کاهد. از دیگر محدودیت‌های قابل ذکر، در نظرنگرفتن متغیرهایی چون عدم دسترسی به اطلاعات دقیق از سلامت روانی و جسمی زوجین است، متغیرهایی که به استناد مطالعات سابق احتمال تأثیرگذاری آن‌ها وجود دارد. همچنین، عدم وجود فرصت کافی جهت اجرای پژوهش در سطوح مختلف فرهنگی و قومی، از دیگر محدودیت‌های تحقیق حاضر است. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، رابطه سایر متغیرهای روان‌شناختی ذکر شده در این پژوهش مانند مهارت‌های ارتباطی، مهارت حل مسئله و توانایی تنظیم هیجان در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زوجین بررسی گردد. همچنین، متغیرهای جمعیت‌شناختی، سطح تحصیلات زوجین، تعداد فرزندان و سال‌های ازدواج موردبررسی قرار گیرد و نیز مناسب است که مشابه این پژوهش، در سطوح مختلف قومی، فرهنگی و اجتماعی انجام پذیرد. پیشنهاد می‌شود، بررسی ابعاد هیجان‌پذیری افراد و سبک‌های دلبستگی به‌عنوان عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی موردتوجه درمانگران حوزه زوج‌درمانی قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود، درمانگران طی برنامه‌ای مدون در جلسات مشاوره پیش‌ازازدواج کمک نمایند تا افراد قبل از شکل‌گیری رابطه زناشویی نسبت به سبک‌های دلبستگی و ابعاد هیجان‌پذیری خود و شریک آینده اطلاعات کسب نمایند و با شناخت بهتر از خود و دیگری، از تنش‌های ناشی از مشکلات احتمالی بکاهند.

## منابع

- بشارت، م. ع. (۱۳۸۰ الف). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با مشکلات زناشویی در زوجین نابارور. *فصل‌نامه تازه‌های روان‌درمانی*، ۵، ۱۹ و ۲۰.
- بشارت، م. ع. (۱۳۸۰ ب). بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبک-راست. گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
- بشارت، م. ع. (۱۳۸۴). هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسال. گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
- بشارت، م. ع. (۱۳۸۸). پایایی و روایی فرم ۲۸ سؤالی مقیاس سلامت روانی در جمعیت ایرانی. *مجله علمی پزشکی قانونی*، ۵۴، ۸۷-۹۱.
- بشارت، م. ع. (۱۳۹۱). مبانی درمانی نظریه دلبستگی، *فصل‌نامه رویش روان‌شناسی*، ۱، ۳۸-۱۵.
- بشارت، م. ع. (۱۳۹۲ الف). مقیاس دلبستگی بزرگسال: پرسشنامه، شیوه اجرا و کلید نمره‌گذاری. *روان‌شناسی تحولی (روان‌شناسان ایرانی)*، ۳۵، ۳۲۰-۳۱۷.

- بشارت، م. ع. (۱۳۹۲). نقش واسطه‌ای خودتنظیم‌گری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ناگویی هیجانی. *مجله دستاوردهای روان‌شناختی (علوم تربیتی و روان‌شناسی)*. ۴، ۳۸-۱۹.
- بشارت، م. ع. (۱۳۹۳). *بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس هیجان‌پذیری مثبت و منفی*. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.
- بشارت، م. ع.، تیمورپور، ن.، رحیمی نژاد، ع.، حسین رشیدی، ب.، غلامعلی لواسانی، م. (۱۳۹۴). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و استحکام من با سازگاری با ناباروری در زنان مراجعه‌کننده به درمانگاه ناباروری مرکز تحقیقات بهداشت باروری ولیعصر (بیمارستان امام خمینی تهران). *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*. ۱۴(۱)، ۱۵-۲.
- بشارت، م. ع.، گلی نژاد، م.، و احمدی، ع. ا. (۱۳۸۲). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین شخصی. *مجله اندیشه و رفتار*. ۴، ۷۴-۸۱.
- بشارت، م. ع.، مدنی، م.، و پورحسین، ر. (۱۳۹۲). بررسی نقش تعدیل‌کننده عواطف مثبت و منفی در حیطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات زناشویی. *مجله علوم روان‌شناختی*. ۴۹، ۲۵-۸.
- بشارت، م. ع.، و گنجی، پ. (۱۳۹۱). نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی. *مجله اصول بهداشت روانی*. ۱۴، ۳۵-۳۲.
- بیرامی، م.، فهیمی، ص.، اکبری، ا.، و امیری پیچاکالایی، ا. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی. *مجله اصول بهداشت روانی*. ۱، ۷۷-۶۴.
- حسینی‌نسب، د.، هاشمی نصرت‌آبادی، ت.، و فتوحی‌بناب، س. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و سازگاری زناشویی. *فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز*. ۱۴، ۶۲-۴۹.
- حیدری، ع.، و اقبال، ف. (۱۳۸۹). رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولاد شهر اهواز. *یافته‌های نو در روان‌شناسی: روان‌شناسی اجتماعی*. ۱۵، ۱۳۴-۱۱۵.
- خوشخرام، ن.، و گلزاری، م. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزشی افزایش عاطفه مثبت بر میزان رضایت زناشویی و سبک دلبستگی در دانشجویان متأهل. *مطالعات روان‌شناختی*. ۳، ۴۹-۲۹.
- دیباچی‌فروشانی، ف.، امام‌پور، س.، و محمودی، غ. (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایت‌مندی زناشویی زنان. *مجله اندیشه و رفتار*. ۱۱، ۱۰۱-۸۷.
- شکرکن، ح.، خجسته‌مهر، ر.، عطاری، ی.، حقیقی، ج.، و شهینی‌بیلاق، م. (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های شخصی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به‌عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*. ۳، ۳۰-۱.
- غفوری و نونسفادرائی، م. ح.، مهدی‌زادگان، ا.، نوری، ا.، و کمالی، م. (۱۳۷۸). سبک‌های دلبستگی بزرگسالی و متغیرهای جمعیت‌شناختی به‌عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در شهر اصفهان. همایش روان‌شناسی و کاربرد آن در جامعه.
- کریمی، پ.، کریمی، ج.، و دهقان، ف. (۱۳۹۳). رابطه سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض با فرسودگی زناشویی. *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*. ۴، ۷۰-۳۵.
- لرستانی، ر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه هویت بین‌فردی و عقیدتی با همزیستی هیجانی، روانی و اجتماعی دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- مردانی حمله، م.، و حیدری، ه. (۱۳۸۹). ارتباط خوشبینی و سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی در کارکنان بیمارستان. *مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*. ۸، ۵۲-۴۶.
- موسوی، ر. (۱۳۷۴). *بررسی و مقایسه عوامل مؤثر بر رضامندی زناشویی در سه گروه پزشکان، کارمندان و کارگران شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.



مهران، ق، کالانترهرمزی، آ، و فرحبخش، ک. (۱۳۹۴). مقایسه آموزش مبتنی بر نظریه‌شناختی و راه‌حل محور بر کاهش هم وابستگی همسران معتادان. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی. ۶(۴)، ۲۴۱-۲۱۳.

## References

- Acevedo, B. P., Aron, A., Fisher, H. E., & Brown, L. L. (2012). Neural correlates of marital satisfaction and well-being: Reward, empathy, and affect. *Clinical Neuropsychiatry*, 9, 20-31.
- Agho, A. O., Price, J. L., & Mueller, C. W. (1992). Discriminant validity of measures of job satisfaction, positive affectivity and negative affectivity. *Journal of Occupational and Organizational Psychology*, 65(3), 185-195.
- Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Wall, S., & Waters, E. (1978) Patterns of Attachment: A Psychological Study of the Strange Situation. Erlbaum, Hillsdale.
- Besharat, M. A. (2003). Relation of attachment style with marital conflict. *Psychological reports*, 92(3c), 1135-1140.
- Besharat, M. A. (2011). Development and validation of Adult Attachment Inventory. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 475-479.
- Besharat, M. A., Naghshine, N., Ganji, P., & Tavalaeayan, F. (2014). The moderating role of attachment styles on the relationship of Alexithymia and fear of Intimacy with Marital Satisfaction. *International Journal of Psychological Studies*, 6(3), 106.
- Bowlby, J. (1969). Attachment and Loss. 1. Basic Books, New York.
- Brannan, K. A., Clark, C. L., & Shaver, P. R. (1998). Self-Report measurement of adult attachment: An integrative overview. In J. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), *Attachment theory and close relationships*. 46-76. New York: Guilford.
- Brumariu, L. E., & Kerns, K. A. (2012). Pathways to Anxiety: Contributions of Attachment History, Temperament, Peer Competence, and Ability to Manage Intense Emotions. *Journal of Child Psychiatry Human Development*, 44, 504-515.
- Crowly, A. K. (2006). The relationship of adult attachment style and interactive conflict styles to marital satisfaction. Doctoral Thesis Texas A. M. University.
- Davila, J., Bradbury, T., & Fincham, F. (1998). Negative affectivity as a mediator of the association between adult attachment and marital satisfaction. *Personal Relationships*, 5, 467-484.
- Derryberry, D., & Rothbart, M. K. (1988). Arousal, Affect, and attention as components of temperament. *Journal of Personality and Social Psychology*, 55, 958-966.
- Evans, D. E., & Rothbart, M. K. (2007). Developing a model for adult temperament. *Journal of Research in Personality*, 41, 868-888.
- Evans, D. E., & Rothbart, M. K. (2009). Atwo-dactor Model of temperament. *Personality and individual Differences*, 47, 565-570.
- Fraley, R. C., & Shaver, P. R. (2000). Adult romantic attachment: Theoretical developments, emerging controversies, and unanswered questions. *Review of General Psychology*, 4(2), 132-154.

- Fullam, M. (2002). Adult attachment, emotional intelligence, Health and immunological responsiveness to stress. *Dissertation Abstract International*. 63, 1079.
- Golombok Rust Inventory of Marital state Questionnaire (1986). *British Journal OD clinical psychology*. 24, 63-64.
- Gottman, J. M., & Silver, N. (1995). *Why marriages succeed or fail: And how you can make yours last*. Simon and Schuster.
- Grunert, S. (2008). The relationship between adult attachment and resilience factor of hope and positive and negative affective and parent and peer attachment, unpublished Doctoral Dissertation, Teachers college in school psychology Capella University.
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1987). Romantic Love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*. 52, 511-524.
- Humbad, M. N., Donnellan, M. B., Lacono, W. G., McGue, M., & Burt, S. A. (2013). Quantifying the association between personality similarity and marital adjustment using profile correlations: A cautionary tale. *Journal of research in personality*. 47, 97-106.
- Jaredić, B., Hinic, D., Stanojevic, D., Zecevic, S., & Ignjatovic-Ristic, D. (2017). Affective temperament, social support and stressors at work as the predictors of life and job satisfaction among doctors and psychologists. *Vojnosanitetski pregled*. 74(3), 241-248.
- Kanai, Y., Takaesu, Y., Nakai, Y., Ichiki, M., Sato, M., Matsumoto, Y., & Kusumi, I. (2016). The influence of childhood abuse, adult life events, and affective temperaments on the well-being of the general, nonclinical adult population. *Neuropsychiatric disease and treatment*. 12, 823.
- Kapikiran, N. A. (2012). Positive and negative affectivity as mediator and moderator of the relationship between optimism and life satisfaction in Turkish university students. *Social Indicators Research*. 106, 333-345.
- Kendrick, H. M., & Drentea, P. (2016). Marital Adjustment. *The Wiley Blackwell Encyclopedia of Family Studies*.
- Knudson, S. (2016). *Modern Military Marriage: Understanding the Relationships between Trauma, Adult Attachment, and Marital Satisfaction* (Doctoral dissertation, THE CHICAGO SCHOOL OF PROFESSIONAL PSYCHOLOGY).
- Landsberger, S. A., & Meyers, S. A. (2002). Direct and indirect pathways between adult attachment style and marital satisfaction. *Journal of Personal Relationship*. 9, 159-172.
- Lang, A., Papp, B., Gonda, X., Dome, P., & Rihmer, Z. (2016). Dimensions of adult attachment are significantly associated with specific affective temperament constellations in a Hungarian university sample. *Journal of affective disorders*. 191, 78-81.
- Lussier, Y., Sabourin, S., & Turgeon, C. (1997). Coping strategies as moderators of the relationship between attachment and marital adjustment. *Journal of Social and Personal Relationships*. 14(6), 777-791.
- McDaniel, B. T., Drouin, M., & Cravens, J. D. (2017). Do you have anything to hide? Infidelity-related behaviors on social media sites and marital satisfaction. *Computers in Human Behavior*. 66, 88-95.

- Molero, F., Shaver, P. R., Fernandez, I., ALONSO-ARBIOL, I. T. Z. I. A. R., & Recio, P. (2016). Long-term partners' relationship satisfaction and their perceptions of each other's attachment insecurities. *Personal Relationships*. 23(1), 159-171.
- Pasch, L. A., Bradbury, T. N., & Davila, J. (1997). Gender, negative affectivity, and observed social support behavior in marital interaction. *Personal Relationships*. 4(4), 361-378.
- Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*. 15, 359-367.
- Philips, T. M., & Pittman, J. (2007). Adolescent psychological well-being by identifying style. *Journal of adolescence research*. 30, 1021-1034.
- Sadkaj, G., Moskowitz, D. S., & Zuroff, D. C. (2011). Attachment related affective dynamics: Differential reactivity to others interpersonal behavior. *Journal of Personality and social psychology*. 100(5), 905-917.
- Sinha, P., & Mukerjec, N. (1990). Marital adjustment space orientation. *Journal of Social Psychology*. 130, 633-639.
- Tarveer, A. M., & Wood, N. D. (2014). Dispositional optimism and marital adjustment. *Contemporary family therapy*. 36, 351-362.
- Terry, D. (1994). Determinants of copying the role of stable and situational factor. *Journal of Personality and Social Psychology*. 66, 895-910.
- Watson, D., Clarke, L. A., & Tellegen, A. (1988). Development and validation of brief measures of positive and negative affect: The PANAS scales. *Journal of Personality and social psychology*. 54, 1063-170.
- Wozidlo, A., & Segrin, C. (2012). Negative affectivity and educational attainment as predictors of newlyweds' problem solving communication and marital quality. *The Journal of psychology*. 147, 49-73.